

بازخوانی و ارزیابی ایمان فرعون در اندیشه ابن عربی

سیده زهرا موسوی بایگی *

سید محمد موسوی **

سید عباس حکیم‌زاده خرد ***

چکیده

مسئله ایمان و سعادت حاصل از آن، که یکی از پراهمیت‌ترین مسائل الهیاتی است، فروعات متعددی را به دنبال دارد. یکی از مباحثی که ذیل مسئله ایمان می‌توان مطرح کرد، بررسی گستره نجات بر اساس وسعت دایره رحمت الهی و یکی از بهترین مصادیق قابل تأمل در این باب، مسئله «ایمان و سعادت فرعون» است. ابن عربی، عارف بزرگ مسلمان بر این باور است که فرعون در آخرین لحظات عمرش، ایمان خود را آشکار کرد و سرانجام رستگار شد. دیدگاه او در این باره که مستلزم نوعی کثرت‌گرایی در نجات است، واکنش‌های مختلفی را به دنبال داشته است. برخی شارحان وی، از باور ابن عربی دفاع کرده، برخی او را نقد کرده و برخی دیگر تلاش کرده‌اند با استمداد و استناد به عبارات کوتاهی از فتوحات اثبات کنند شیخ، فرعون را مستحق بهشت نمی‌داند. پژوهش حاضر که به روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد انتقادی نگاشته شده، می‌کوشد بدین پرسش پاسخ دهد که آیا ادله و نیز مبنای نظری ابن عربی، ایمان فرعون را ثابت می‌کند؟ نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه بیشتر انتقاداتی که بر ادله ابن عربی وارد شده ناتمام است، بر اساس مبانی ابن عربی نمی‌توان فرعون را از اهل سعادت دانست، زیرا او به‌رغم شناخت حق، در مقابل پروردگار استکبار ورزید.

کلیدواژه‌ها: ابن عربی، ایمان، سعادت، فرعون.

* دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه فردوسی مشهد/ mmusawy@gmail.com

** دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول)/ zmousavibaygi@gmail.com

*** دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه ایلام/ s.a.hakim69@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳

۱. مقدمه

یکی از مباحث مهم کلامی- اعتقادی، مسئله ایمان است. متکلمان و الهی دانان به تفصیل درباره ماهیت ایمان و شرایط آن سخن گفته‌اند. محیی‌الدین بن عربی (۵۶۰-۶۳۸ق) عارف بزرگ مسلمان اندلسی نیز به عنوان یک اندیشمند متأله درباره ایمان و فروع آن سخن گفته است. یکی از مباحثی که از یک سو با تأویلات ابن عربی از آیات قرآن مرتبط است و از سوی دیگر ذیل مسئله ایمان مطرح می‌شود، موضوع ایمان فرعون است. محیی‌الدین درباره ایمان فرعون و سعادت او، اعتقادی نادر و در تعارض با باور عمومی پیروان ادیان ابراهیمی دارد. پژوهش حاضر در گام نخست به توصیف و تبیین دلایلی که ابن عربی در آثار متعدد خود، به منظور اثبات ایمان فرعون ارائه کرده، پرداخته است. در ادامه، مواجهه شارحان ابن عربی با ادله شیخ در خصوص ایمان فرعون مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و سرانجام پس از ارزیابی نگارنده از تفسیر ابن عربی در خصوص ایمان فرعون، این نتیجه حاصل شده که با وجود آنکه فرعون با اعتقاد به توحید از دنیا رفته است، به دلیل وجود ملکه استکبار، توحید فرعون او را از نجات یافتگان قرار نمی‌دهد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

بر اساس استقرای نگارنده، پژوهش‌هایی که ارتباط نزدیکی با مسئله پژوهش حاضر دارند، به شرح ذیل است:

الف. مقاله «توبه و ایمان فرعون از دیدگاه امام خمینی و ابن عربی» پژوهشی تطبیقی میان دیدگاه امام خمینی و ابن عربی پیرامون ایمان فرعون است. نگارنده در این پژوهش، پس از ذکر مقدمه‌ای به توصیف دیدگاه ابن عربی و سپس ارائه نظر امام خمینی در خصوص ایمان فرعون پرداخته است. سرانجام با نظر به روایات شیعه و دیدگاه اصحاب نقل، دیدگاه امام را برگزیده و نظر ابن عربی را مردود دانسته است (بنی‌اسدی، ۱۳۹۷: ۲۰۷-۲۲۰).

ب. «نگرش عارفانه ابن عربی به ایمان فرعون با نگاهی به شعر شاعران عارف

فارسی» از دیگر پژوهش‌هایی است که در مقام بررسی اعتقاد ابن عربی دربارهٔ سعادت فرعون نگاشته شده است. این پژوهش کوشیده است در گام نخست نشان دهد باور ابن عربی و شارحان وی دربارهٔ ایمان فرعون نادرست بوده و سپس اثبات کرده که سعادت‌مندی فرعون مورد پذیرش شاعران ادب فارسی واقع نشده است (صفرزاده و نیک‌پناه، ۱۳۹۹: ۱۷۶-۱۹۴).

ج. «رستگاری فرعون در قرآن کریم» یکی از جدیدترین پژوهش‌هایی است که در این موضوع صورت گرفته است. این پژوهش کوشیده است با نظر به آیات قرآن کریم، سه تفسیر از رستگاری فرعون ارائه دهد. نگارنده در اثنای بحث به اقوال مختلفی دربارهٔ ایمان و سعادت فرعون اشاره می‌کند که ابن عربی نیز از جمله آن افراد است. سرانجام پژوهش مذکور با نظر به قرآن کریم، کثرت روایات مبنی بر دوزخی بودن فرعون و اجماع مفسران، نپذیرفتن ایمان فرعون را نتیجه می‌گیرد (شیخ، ۱۳۹۹: ۸۳-۱۱۳).

برخلاف پژوهش‌های نام‌برده، پژوهش حاضر با نظر به دو اثر مهم *الفتوحات المکیه* و *فصوص الحکم*، به نحوی منقح شده، مجموع استدلال‌های شیخ در اثبات ایمان فرعون و واکنش شارحان او دربارهٔ عقیده شیخ را بررسی و ارزیابی کرده و سپس ضمن تبیین اهمیت بحث دربارهٔ ایمان فرعون، بر اساس مبانی مقبول نزد شیخ اثبات می‌کند به‌رغم آنکه فرعون با علم به توحید از دنیا رفت، مخلد در عذاب است. قابل ذکر است پژوهش حاضر علاوه بر نوآوری محتوایی، به دلیل جامعیت در گردآوری و تحلیل ادله محیی‌الدین و مواجهه شارحان با ادله وی از دیگر پژوهش‌ها ممتاز می‌شود.

۲. دلایل ابن عربی برای اثبات ایمان فرعون

محمد بن علی بن محمد ابن عربی حاتمی، مشهور به محیی‌الدین بن عربی یکی از عارفان بنام و پرآوازهٔ مسلمان است که بر اندیشهٔ عرفانی فلسفی پس از خود به‌شدت تأثیر گذاشت. محیی‌الدین بر اساس مکاشفات و مبانی عرفانی، بسیاری از آیات قرآن را تفسیر و تأویل کرده است که در برخی موارد، به سبب تمایز فاحش تفسیر عرفانی و

باطنی شیخ با تفاسیر رایج، با برخورد اصحاب علوم دینی روبه‌رو شده است؛ از جمله تفاسیر خاص ابن عربی، در مسئله ایمان فرعون است. ابن عربی با نظر به آیاتی از قرآن کریم، تصویری چالش‌برانگیز از فرجام فرعون ارائه می‌کند.

تفصیل سخن آنکه بر اساس آیات قرآن کریم، پس از آنکه مادر موسی (ع) به امید نجات فرزندش، او را در رود رهسپار سفری نامعلوم کرد، فرعون و همسرش، این کودک را از آب گرفتند. در این هنگام همسر فرعون به او گفت: «این [کودک] نور چشم من و تو خواهد بود، او را نکشید، شاید برای ما سودمند باشد یا او را به فرزندی بگیریم»^۱ (قصص: ۹). ابن عربی بر این باور است که سرانجام امید همسر فرعون (آسیه) محقق شد. او در خصوص نفعی که موسی برای آسیه داشت با استناد به آیه «قَالَتْ رَبِّ اِنَّ لِيْ عِنْدَكَ بَيِّنَاتٍ فِى الْغُبَّةِ» (تحریم: ۱۱) می‌گوید در نهایت موسی نور دیده و مایه سعادَت آسیه شد، چراکه آسیه «مقام عنایت» را که عموماً برای مردان است (ابن عربی، بی تا: ج ۳، ۱۲)، از خداوند طلبید و حق تعالی نیز خواسته او را اجابت کرد (همو، ۱۹۴۶م: ج ۱، ۱۷۵)؛ از این رو پیامبر خاتم بر افضلیت او شهادت داده است (قیصری، ۱۳۷۵: ۱۱۲۱) اما این سعادت منحصر به آسیه نشد و موسی عزیز و قره‌الین فرعون نیز شد. محیی‌الدین و برخی شارحان وی، برخلاف اجماع مسلمانان، یهودیان و مسیحیان، معتقدند بر اساس مجموع آیات قرآن، فرعون به‌رغم تمام خطاها و گناہانی که داشت، سرانجام طاهر و مطهر و در زمره اهل ایمان از دنیا رفته است (جندی، ۱۴۲۳ق: ۶۷۳؛ کاشانی، ۱۳۷۰: ۳۱۰؛ جامی، ۱۴۲۵ق: ۴۷۹). ابن عربی دلایلی برای اثبات باور خود ارائه کرده است.

۱-۲. نخستین استدلال ابن عربی آن است که مطابق آیه نود سوره یونس، فرعون پیش از مرگ به خداوند یگانه‌ای که معبود بنی اسرائیل است، ایمان خود را اظهار کرد.^۲ از سوی دیگر به‌حسب نقل پیامبر خاتم (ص) فرموده است: «اسلام ماقبل خود را از بین می‌برد» (متقی هندی، ۱۴۰۱ق: ج ۱، ۷۵؛ حلبی، ۱۴۲۷ق: ج ۳، ۲۱) مسلمانان با تکیه بر این روایت معتقدند تمام گناہان فرد، پس از اسلام آوردن از بین می‌رود. بر این اساس

ابن عربی استدلال می‌کند از آنجا که فرعون پیش از مرگ توحید را به زبان آورد، تمام خطاهای او پس از ایمان آوردن، از بین رفت و فرعون نیز پس از اظهار ایمان خود در دنیا نبود تا ایمان خود را آلوده به گناه کند؛ بنابراین او با ایمان و طاهر و مطهر از دنیا رفته است (ابن عربی، ۱۹۴۶م: ج ۱، ۲۰۱).

۲-۲. استدلال دوم شیخ بر اثبات ایمان فرعون آن است که بر اساس آیات قرآن، کافران از رحمت حق تعالی ناامیدند^۳ و از این رو حتی در آخرین لحظات توبه نمی‌کنند، چنان‌که نقل می‌کند ابوجهل در هنگام مرگش به قائل خود گفت هرگز از مخالفت با پیامبر خاتم پشیمان نیست درحالی‌که فرعون برخلاف امثال ابوجهل، توبه کرد و ایمان آورد (حسن‌زاده، ۱۳۷۸: ۵۴۶). بر این اساس فرعون کافر از دنیا نرفت، زیرا امید به رحمت پروردگار داشت و با توبه از دنیا رفت (ابن عربی، ۱۹۴۶م: ج ۱، ۲۰۱).

۳-۲. دلیل سوم شیخ بر مبنای رحمت فراگیر حق تعالی بدین شرح است که رحمت خداوند از فراگیرترین امور است.^۴ صاحب چنین رحمتی برتر از آن است که به خواسته انسان مضطر اعتنا نکند؛ چنان‌که در قرآن کریم می‌فرماید: «أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ» (نمل: ۶۲). از سوی دیگر فرعون هنگام غرق، مضطرانه و خالصانه ایمان آورد و با تلفظ «آمنت» جانب لقای حق را بر بقای دنیوی ترجیح داد و برای نجات خود دعا نکرد، پس خداوند نیز طلب او را اجابت کرد (ابن عربی، بی‌تا: ج ۲، ۲۷۷).

۴-۲. چهارمین استدلال بر اثبات ایمان فرعون که ابن‌ترکه در شرح فصوص به آن اشاره کرده و ریشه در عبارات شیخ در الفتوحات (همان) دارد، آن است که با التفات به عنایت خداوند استدلال می‌کند بر اساس کریمه «فَالْيَوْمَ نُنَجِّبُكَ بِدِينِكَ لَتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً» (یونس: ۹۲) آیه بودن ماجرای فرعون هنگامی صادق است که فرعون از اهل نجات و مقبول‌الایمان باشد و نشان دهد عنایت حضرت حق به طاعت یا عصیان عبد تعلق ندارد بلکه هرکس را بخواهد مشمول رحمت خود می‌کند و بدین سبب است که جز کفار از رحمت پروردگار مأیوس نیستند (صائن‌الدین، ۱۳۷۸: ج ۲، ۸۷۳).

۵-۲. یکی دیگر از استدلال‌های شیخ اکبر برای اثبات ایمان فرعون آن است که خداوند خطاب به موسی امر کرده که با فرعون به آرامی و ملایمت سخن بگوید «امید است که هوشیار شود یا بترسد»^۵. از سوی دیگر علمای محقق می‌دانند عباراتی مانند «شاید و امید است» دربارهٔ پروردگار به معنای وجوب و ضرورت است. به این ترتیب معنای آیه مذکور آن است که خداوند فرمود با فرعون به ملایمت گفت‌وگو کن، قطعاً کلام تو در او اثر خواهد کرد (ابن عربی، بی‌تا: ج ۲، ۴۱۱ و ۲۷۶؛ ج ۳، ۵۳۳) به این ترتیب ایمان فرعون نتیجهٔ ضروری گفت‌وگوی ملایم موسی (ع) است.

۳. بررسی مسئله ایمان فرعون توسط ابن عربی و شارحان وی

ابن عربی و پیروانش برای تبیین بیشتر تأویلی که خلاف اعتقاد جمهور پیروان ادیان ابراهیمی است، کوشیده‌اند این باور را از زوایای مختلفی بررسی کنند. مهم‌ترین و برجسته‌ترین تلاش ایشان، در راستای اثبات پذیرفته شدن ایمان فرعون است. از مجموع تعبیر ابن عربی در فصوص و فتوحات به دست می‌آید به عقیدهٔ شیخ، فرعون حتی پیش از غرق شدن، به خداوند ایمان داشته است. ابن عربی در خصوص مکالمه‌ای که میان موسی و فرعون در حضور نزدیکان بارگاه فرعون صورت گرفته بود، توضیح می‌دهد فرعون به نیکی خداوند را شناخت. از این رو از موسی (ع) در باب ماهیت پرودگار عالم سؤال کرد تا هرگونه که موسی پاسخ داد، وی را به سُخره گیرد، چراکه فرعون می‌دانست خداوند را نمی‌توان به ماهیت تعریف و تحدید کرد (همو، ۱۹۴۶م: ج ۱، ۲۰۷-۲۰۸). بنابراین فرعون در باطن، خداوند یگانه را می‌شناخت (همو، بی‌تا، ج ۴، ۶۰) اما حُب ریاست مانع اعتراف به آن شد (همان، ج ۴، ۲۹ و ج ۳، ۱۷۸) اما در آخر کار، هنگامی که آب از هر سو به او هجوم آورد، ایمان خود را اظهار کرد (همان، ج ۴، ۶۰).

به‌رغم تأکید ابن عربی بر ایمان سابق فرعون، جندی، شارح فصوص، ایمان فرعون در واپسین لحظات حیاتش را می‌پذیرد اما معتقد است ظاهر آیه مذکور بیانگر آن است که فرعون پیش از آن ایمان نداشته است. از سوی دیگر نقل موثق بر این ادعای

ابن عربی وجود ندارد (جندی، ۱۴۲۳ق: ۶۷۳) بنابراین نمی‌توان ایمان سابق فرعون را پذیرفت.

به هر تقدیر نکته حائز اهمیت آن است که آیا ایمان فرعون پذیرفته است؟ ابن عربی و همه شارحانش معتقدند حتی اگر فرعون در واپسین لحظات زندگی اش ایمان آورده باشد، ایمان او پذیرفته است زیرا مانع پذیرش ایمان در توبه فرعون وجود ندارد. ابن عربی و اتباع وی در مواضع متعدد اشاره می‌کنند فرعون زمانی ایمان خود را اظهار کرد که هنوز امید نجات بلکه یقین به نجات داشت (صائن‌الدین، ۱۳۷۸: ج ۲، ۸۷۳)، زیرا مشاهده کرد که چگونه دریا برای مؤمنان خشک شد (ابن عربی، بی‌تا: ج ۲، ۴۱۰). از سوی دیگر به مرتبه «حضر الموت» هم نرسیده بود، بنابراین دلیلی وجود ندارد تا ایمان او پذیرفته نشود (قیصری، ۱۳۷۵: ۱۱۲۱).

همچنین نصی دال بر نپذیرفتن ایمان فرعون، معذب بودن وی در دوزخ یا خلود او در جهنم وجود ندارد (مهائمی، ۱۴۲۸ق: ۶۲۹) بلکه ظواهر قرآن بر ایمان فرعون دلالت دارد زیرا تمام آیاتی که به نکوهش و سرزنش فرعون می‌پردازد، مربوط به پیش از ایمان فرعون است؛ برای نمونه آیاتی نظیر «وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى» (طه: ۷۹) یا «وَأَسْتَكْبَرُوا وَجْهَهُمْ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ» (قصص: ۳۹)، «ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ» (یونس: ۷۵)، «إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ» (یونس: ۸۳) «أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» (طه: ۲۴؛ نازعات: ۱۷)، «وَأَدْخَلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (نمل: ۹) که همگی در مذمت فرعون است، شرح حال او پیش از ایمان است.

از سوی دیگر آیاتی که مربوط به پس از ایمان فرعون است، یعنی آیاتی که مربوط به قیامت است، مانند «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْخُلُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَنْصَرُونَ» * وَاتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَغْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ» (قصص: ۴۱-۴۲) یا «فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ * يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوَرْدُ

الْمُؤْرُوذُ* وَ أَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَشِّرَ الرَّفْدُ الْمَرْفُودُ» (هود: ۹۷-۹۹) «النَّارُ يَغْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» (غافر: ۴۶) در حقیقت درباره آل فرعون سخن گفته است و نه شخص فرعون و البته حکم فرعون و از حکم آل فرعون از هم جداست. به این ترتیب به رغم آنکه فرعون مؤمن و از نجات یافتگان است، آل فرعون کافر بوده اند (کاشانی، ۱۳۷۰: ۳۱۰).

مثلاً خداوند در آیه ۹۸ سوره هود می فرماید: «در روز قیامت، فرعون پیشاپیش قومش می رود، پس آنان را به آتش درمی آورد.» به نظر اتباع ابن عربی این آیه همان قدر که می تواند بر ورود فرعون در دوزخ دلالت داشته باشد، می تواند نافی آن نیز باشد زیرا ممکن است فرعون به سبب آنکه در دنیا پیشوای قومش در ضلالت بوده، در قیامت نیز آن ها را به جهنم راهنمایی کند، اما همچنان که سرانجام در دنیا از اهل ایمان شد و نجات یافت در آخرت نیز فرعون وارد دوزخ نشود. بر این اساس (در آیه بعد) آنان که مورد لعنت هستند، آل فرعون و نه شخص فرعون اند (خوارزمی، ۱۳۷۹: ۱۰۱۱).

شایان ذکر است ابن عربی آیه «فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى» (نازعات: ۲۵) را که بیانگر معذب بودن فرعون در دنیا و آخرت است، تأویل کرده و می گوید به دلیل ترتیب لفظی و تقدم ذکر عذاب آخرت بر دنیا، عذاب اخروی فرعون چیزی جز اندوه غرق شدن در آب شور و تلخی که او را فراگرفت نیست؛ به این ترتیب این آیه نیز بر تعذیب اخروی فرعون دلالت ندارد (ابن عربی، بی تا: ج ۲، ۲۷۷).

نکته قابل توجه آن است که ابن عربی یا حداقل برخی از شارحان او درصدد اثبات سعادت حداکثری اخروی برای فرعون نیستند، از این رو معتقدند بر فرض ورود فرعون به جهنم، سرانجام به سبب ایمان به توحید، از اهل نجات خواهد شد (مهائی، ۱۴۲۸ق: ۶۳۰). تفصیل سخن آنکه طهارت فرعون در هنگام مرگ، لزوماً به این معنا نیست که او پس از مرگ وارد نعیم و لذت می شود و هیچ عقابی در انتظار وی نیست، زیرا تکالیف و حقوق انسان دو گونه است. برخی حقوق از ناحیه حق تعالی بر بندگان و

برخی حقوق از ناحیه یک انسان بر انسان دیگر مترتب می‌شود و اسلام آوردن فقط حقوقی را که از ناحیه خداوند بر عبد وارد می‌کند مرتفع می‌سازد. به این ترتیب ایمان فرعون تنها گناهانی که در برابر پروردگار عالم مرتکب شده بود، همچون ادعای ربوبیت را پاک می‌کند اما او باید به‌ازای تمام ظلم‌هایی که به انسان‌ها کرده است، محاکمه و عقاب شود (کاشانی، ۱۳۷۰: ۳۱۰). بنابراین ایمان فرعون با عذاب او منافاتی ندارد و ثمره آن نه در نفی اصل عذاب بلکه در عدم خلود ظاهر می‌شود، زیرا به اجماع همه مسلمانان اگر کسی با اعتقاد توحیدی از دنیا برود، مخلد در جهنم نخواهد بود. پس چنانچه فرعون با ایمان از دنیا رفته باشد، سرانجام از اهل نجات خواهد بود و این ثمره بحث ایمان فرعون است.

با نظر به عبارات فوق ممکن است این سؤال مطرح شود که به نظر محیی‌الدین، هیچ انسانی مخلد نیست، پس صرف‌نظر از ایمان یا کفر فرعون، بر اساس عقیده ابن عربی باید معتقد بود خواه ایمان فرعون پذیرفته شود و خواه پذیرفته نشود، فرعون همچون دیگر انسان‌ها، مخلد نخواهد بود (نک: قیصری، ۱۳۷۵: ۶۶۱-۶۶۴) و ثمره بحث از ایمان فرعون تنها بر مبنای کسانی که کفار را مخلد در جهنم می‌دانند، آشکار می‌شود. پاسخ آن است که محیی‌الدین میان خلود در عذاب و خلود در جهنم تفاوت قائل است. او در جای خود اثبات می‌کند خلود در عذاب باطل است و نه خلود در جهنم. آنان که اهل جهنم‌اند، اگرچه مخلد در دوزخ‌اند این خلود سبب رنجش آنان نیست اما این مطلب غیر از جاودانه نبودن در جهنم است. بر این اساس حتی بر مبنای محیی‌الدین که خلود در عذاب منتفی است، ثمره ایمان فرعون آشکار خواهد شد زیرا بر فرض صحت ایمان، او در نهایت امر از جهنم خارج می‌شود.

۴. ارزیابی شارحان از تفسیر ابن عربی

رویارویی اندیشمندان با تفسیر ابن عربی در خصوص ایمان فرعون، متفاوت بوده است. برخی شارحان تفسیر ابن عربی را از «قرة العین بودن موسی نزد فرعون» پذیرفته‌اند و برخی بر شیخ خرده گرفته و به‌شدت آن را رد کرده‌اند. نگارنده در این بخش می‌کوشد ضمن اشاره به برخوردهای متفاوت شارحان، مواجهه آنان با دیدگاه ابن عربی درباره

مسئله ایمان فرعون را بررسی و ارزیابی کند.

۱-۴. دفاع برخی شارحان از ایمان فرعون

برخی تفسیر شیخ را به رغم آنکه خلاف اجماع مسلمانان است، حق و شیخ را معذور دانسته‌اند. قیصری در رویارویی با تأویل ابن عربی می‌نویسد: «فلا ينكر على الشيخ ما قاله مع أنه مأمور بهذا القول، إذ جميع ما في الكتاب مسطور بأمر الرسول، صلى الله عليه و سلم، فهو معذور كما أن المُنكر المغرور معذور» (همان: ۱۱۲۲-۱۱۲۳).

ابن عربی ادعا می‌کند پیامبر خاتم در رؤیا کتاب فصوص/الحکم را به او عرضه کرده‌اند و او نیز بی‌آنکه مطالب کتاب را کم یا زیاد کند، آن را تقریر کرده است (ابن عربی، ۱۹۴۶م: ج ۱، ۴۷). به همین سبب قیصری، شیخ را معذور از ارائه چنین تأویلی می‌داند (قیصری، ۱۳۷۵: ۱۱۲۳)؛ در واقع قیصری معتقد است چون پیامبر خاتم این کتاب را به شیخ داده و شیخ نیز بدون تغییر آن را ارائه کرده، پس در واقع محیی‌الدین چاره‌ای جز بیان ایمان فرعون نداشته است. نکته قابل توجه آن است که قیصری به تفاوت نظر جمهور پیروان ادیان ابراهیمی با محیی‌الدین در مسئله مزبور توجه دارد؛ از این رو کسانی را که این عقیده شیخ را رد می‌کنند نیز همچون شیخ معذور می‌داند با این تفاوت که شیخ معذور است و منکرین شیخ، معذور مغرور.

قیصری در مواضع دیگری از شرح خود بر فصوص، که شیخ سخنی برخلاف اجماع مسلمین را بیان کرده است، او را معذور معرفی می‌کند (همان: ۶۰۶). صرف‌نظر از مسئله ایمان فرعون، تمسک قیصری به این استدلال صحیح نیست، چراکه شیخ به رغم جایگاه والایی که در عرفان دارد، معصوم از خطا نیست؛ وی در مواضع متعددی نه تنها خلاف اجماع بلکه خلاف عقل صریح یا کتاب و سنت سخن گفته است، بنابراین نمی‌توان عذر قیصری را پذیرفت (همان: تعلیقه/ ۱۱۲۳). گذشته از اینکه اگر تعارضاتی که در کتاب و سنت و فصوص وجود دارد، هر دو از سوی پیامبر خاتم باشد، یعنی قیصری محیی‌الدین را از خطا پاک کرده اما آن را به وجود مقدس پیامبر خاتم نسبت داده و این لازمه قطعاً نادرست است.

۲-۴. استبعاد برخی شارحان از باور ابن عربی به پذیرش ایمان فرعون

نقطه مقابل امثال قیصری، عبدالوهاب شعرانی است. او انتساب پذیرش ایمان فرعون به شیخ را افترا و کذب محض می‌داند و می‌نویسد: «فکذب واللّه و افتری من نسب إلی الشیخ محیی‌الدین أنه یقول بقبول ایمان فرعون» (شعرانی، ۱۴۱۸ق: ج ۲، ۵۰۷).

شعرانی با استناد به فتوحات می‌گوید شیخ ایمان فرعون را نافع نمی‌دانسته، زیرا ایمان او خارج از وقت و شرایط مقبولیت بوده است (همان‌جا). برخی دیگر از شارحان ابن عربی نیز معتقدند مقصود محیی‌الدین از ارائه این ادله بر سعادت فرعون، قبول ایمان فرعون نیست چراکه او اصرار و جزمی بر ایمان فرعون ندارد؛ چنان‌که در پایان فص موسوی نیز با موکول کردن امر به خداوند آن را اشکار کرده است (مهائی، ۱۴۲۸ق: ۶۳۱؛ جامی، ۱۴۲۵ق: ۴۸۰؛ بالی‌زاده، ۱۴۲۲ق: ۲۹۳) اما هدف شیخ از بیان ادله مزبور آن بوده که علمای اهل ظاهر را از صدور حکم علیه فرعون متوقف کند. در واقع شیخ مایل است بگوید اگر ادله مذکور تام باشند، فرعون طاهر و مطهر از دنیا رفته است (همان‌جا). با این حال به سبب خطای فهم برخی شارحان همچون قیصری که به مقام روحانی محیی‌الدین نرسیده بودند، مشهور شده است که شیخ ایمان فرعون را مقبول می‌داند (همان: ۲۹۳-۲۹۴).

نگارنده این سطور بر این باور است که اگر به دیده انصاف به مجموع تعابیر ابن عربی نگاه شود، این که شیخ ایمان فرعون را به نحوه قضیه شرطیه بیان کرده باشد، لازم مستقیم یا غیر مستقیم عبارات او نیست و ظاهر عبارات ابن عربی بلکه تصریحات وی بر مرگ فرعون با حال ایمان و تطهیر دلالت دارد.

۳-۴. انتقادات بعضی شارحان بر ادله ابن عربی در باب قبول ایمان فرعون

برخی شارحان مواجهه شدیدتری با مسئله ایمان فرعون داشته و ادله‌ای در نقد دلایل شیخ بر اثبات ایمان فرعون اقامه کرده‌اند. در این بخش ضمن تقریر ادله ناقدین، به ارزیابی آن‌ها اشاره می‌شود.

۳-۴.۱. یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقدهایی که بر این باور می‌توان وارد کرد،

مسئله تعارض با اجماع است. همان طور که گذشت، اعتقاد به ایمان فرعون مخالف اجماع مسلمانان، مسیحیان و یهودیان است (جندی، ۱۴۲۳ق: ۶۷۳) و این مسئله می تواند نقدی جدی بر ایمان فرعون باشد.

برخی که تلاش کرده اند شیخ را از اعتقاد به سعادت مندی فرعون مبرا جلو دهند، در رد این انتقاد گفته اند کسی که صحت ایمان را پذیرفته باشد مخالف اجماع سخن گفته، اما ابن عربی در صحت ایمان توقف کرده است و بنابراین باور وی مخالف اجماع اهل شریعت نیست (بالی زاده، ۱۴۲۲ق: ۲۹۳).

صرف نظر از اینکه شیخ در صحت ایمان فرعون توقف کرده یا نه، نقد این باور بر اساس «تعارض با اجماع» تأمل پذیر است. بنا بر مبنای اهل سنت، اجماع در مسائل اعتقادی همانند احکام شرعی، دارای حجیت است. اهل سنت مخصوصاً اشاعره، در مواضع متعددی وجه استدلال خود را اجماع قرار دادند. به عنوان اثبات وحدانیت خداوند، خلق اموری مانند نفس و عرش، نبوت (ابن حزم، بی تا: ج ۱، ۱۶۷)، شفاعت (رازی، ۱۴۲۰ق: ج ۳، ۴۹۹)، توسل (سبکی، ۱۴۱۱ق: ۳۱۱)، افضلیت و خاتمیت پیامبر اسلام (فتنی، ۱۳۴۳: ۸۸) و امتناع امر قدیم (قرطبی، ۱۳۷۸ق: ج ۱، ۵۵) از جمله اموری است که ایشان اثبات آن را به اجماع مستند می کنند.

میان متقدمین و متأخرین از دانشمندان شیعه، در بحث دایره حجیت اجماع و سرایت آن به اعتقادات شرعی، اختلاف دیدگاه وجود دارد. به نظر می رسد تمسک به اجماع و اعتقاد به حجیت آن در اعتقادات، از زمان سید مرتضی و شیخ مفید رواج یافته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۸۶، ۲۲۳). اندیشمندان متقدم امامیه اعتقاداتی نظیر تکلم خداوند (مفید، ۱۴۱۴ق: ۵۲)، امامت (همان، ۳۹؛ طوسی، ۱۴۰۰ق: ۱۹۶)، خلقت بهشت و جهنم (مفید، ۱۴۱۴ق: ۱۲۴)، عدم نزول وحی بر ائمه (همان: ۶۸) شفاعت (سید مرتضی، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ۱۵۰)، رجعت (همان: ج ۳، ۱۳۶)، دوام ثواب و عقاب (همان: ج ۱، ۱۴۸)، عذاب قبر (طوسی، ۱۴۰۰ق: ۱۳۵)، نارضایتی خداوند به معصیت (همان: ۵۵)، تکلیف در آخرت (همان: ۱۳۷) و عصمت فرشتگان (شهید ثانی، ۱۴۲۲ق:

ج ۱، ۴۱) را بر اساس اجماع اثبات می‌کردند. به این ترتیب بر اساس مبنای اهل سنت و دانشمندان متقدم امامیه، تعارض ایمان فرعون با اجماع، نقدی بر ابن عربی محسوب می‌شود.

با این حال اندیشمندان متأخر امامیه در مسائل عقلی و اعتقادی استناد به اجماع را منع نموده و دایره حجیت اجماع را به احکام شرعی محدود کرده‌اند (حائری، ۱۳۳۷ق: ج ۲، ۱۶؛ بروجردی، ۱۴۱۷ق: ۲۷۷؛ خمینی، ۱۴۲۰ق: ج ۱، ۳۲۲). بر اساس این مبنا تعارض ایمان فرعون با اجماع نمی‌تواند نقدی بر شیخ و دلیلی بر رد ایمان فرعون باشد.

۴-۳-۲. یکی دیگر از پرتکرارترین نقدها بر قبول ایمان فرعون آن است که ایمان فرعون مقبول واقع نشده است، زیرا توبه یأس پذیرفته می‌شود نه ایمان یأس (خوارزمی، ۱۳۷۹: ۱۰۱۰؛ نابلسی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۳۶۵) درحالی که ایمان فرعون، ایمان یأس بود؛ به تعبیر دیگر ایمان فرعون در حال ترس از غرق شدن و به جهت نجات بود (جندی، ۱۴۲۳ق: ۵۶۹). به این ترتیب اگرچه فرعون در آخرین لحظه ایمان آورد، ایمان او در زمان مناسب نبود و بدین سبب مصداق کریمه «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا اِيْمَانُهَا» شد (بالی‌زاده، ۱۴۲۲ق: ۲۹۲). همچنین او در مکان مناسب نیز ایمان نیاورد، زیرا ایمان فرعون هنگام ظهور آثار هلاکت بود و در این شرایط همه انسان‌ها در عین حال که کافرند، ایمان می‌آورند (همان‌جا).

ممکن است گفته شود به نظر ابن عربی و برخی شارحانش، فرعون پیش از آنکه آثار غرق ظاهر شود ایمان خود را اظهار کرد، بنابراین توبه او، توبه یأس بود. بالی‌زاده در پاسخ به این پرسش می‌گوید بر فرض آنکه فرعون، همان‌گونه که شیخ می‌گوید یقین به مردن نداشت، اما بازهم ایمان او مقبول نیست، زیرا فرعون به طمع نجات اقرار به توحید کرد چراکه او دید چگونه مؤمنین از میان دریا گذشتند، از این رو به طمع نجات ایمان آورد (همان: ۲۹۳). پس در هر حال ایمان فرعون مقبول واقع نشد.

به نظر می‌رسد استدلال اخیر نه می‌تواند در جهت اثبات ایمان فرعون و نه در

جهت رد آن کارساز باشد زیرا هیچ کس نمی تواند ادعا کند که از نیت فرعون در آخرین لحظات آگاه بوده است. در عین حال به منظور بررسی این انتقاد، نخست باید تعریف ایمان را روشن کرد و سپس بررسی کرد آیا فرعون هنگام غرق شدن ایمان آورد یا پیش از آن ایمان داشت؟ اگر همان گونه که ابن عربی می گوید، ایمان فرعون اعتقاد او به خدای یگانه مربوط پیش از غرق شدن باشد، نمی توان گفت ایمان فرعون چون مربوط به آخرین لحظات عمر او بوده، پذیرفته نیست. در بخش ارزیابی نگارنده از تفسیر ابن عربی شرح مبسوط این سخن خواهد آمد.

۳-۳-۴. نقد دیگری که برخی بر ابن عربی وارد کرده اند آن است که شیخ با استناد به سخن آسیه «امید است ما را سود برساند» الفاظ مشعر به امید را، دال بر ضرورت تحقق محتوای آن دانسته و ایمان فرعون را اثبات کرده اند، در حالی که ممکن است این سخن نظیر حکایت حضرت ابراهیم در آیه «بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ» (انبیا: ۶۳) باشد؛ بنابراین ضمن آنکه آیه کاذب نمی شود، ضرورت و وجوبی در سود رساندن به آسیه و فرعون وجود ندارد (همان: ۲۹۲).

این انتقاد اگر فقط در آیه نهم سوره قصص باشد، وارد است؛ زیرا قائل «امید است» در آیه مزبور، آسیه است پس تعبیر امکانی مستلزم قطعیت و وجوب نیست. اما به نظر می رسد استدلال ابن عربی در فتوحات ناظر به آیه «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِّنَا لَعَلَّه يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه: ۴۴) است و در این آیه گوینده «لعله» پروردگار است؛ بنابراین استدلال ابن عربی بر قوت خود باقی است که الفاظ دال بر امید و ترجیح و مانند آن، چنانچه از جانب حق تعالی به کار رود، دال بر ضرورت تحقق محتوای آن است.

۴-۳-۴. انتقاد دیگر ناظر به دلیل سوم ابن عربی، آن است که نمود گستردگی عنایت و رحمت خداوند به قدری زیاد است که نیازی نیست قبول ایمان فرعون شاهی بر رحمت و عنایت فراگیر و گسترده خداوند باشد (بالی زاده، ۱۴۲۲ق: ۲۹۲)؛ از این رو نمی توان گفت چون رحمت حق تعالی فراگیر است، ضرورتاً ایمان فرعون پذیرفته شده است.

به نظر نگارنده اگرچه استدلال شیخ در خصوص فرعون محل تأمل است، بیان فوق در رد آن تام نیست، زیرا سعه رحمت الهی بر اساس قابلیت قابل است و اگر این امر محقق شود، شمول رحمت ضروری خواهد بود. حال اگر واقعاً ایمان فرعون، شرایط مقبولیت را داشته باشد، نمی توان به دلیل آنکه موارد شمول رحمت بسیار زیاد است، رحمت الهی را تخصیص زد و فرعون را از آن محروم دانست. آنچه محل تأمل و موضع انتقاد می تواند باشد آن است آیا فرعون قابلیت رحمت را داشته است یا نه؟

۴-۵۳. یکی دیگر از انتقاداتی که در باب ایمان فرعون مطرح می شود، تعارض سخن ابن عربی با متون نقلی است. همان طور که گذشت، ابن عربی و شارحانش معتقدند ایمان فرعون با ظواهر قرآن کریم در تعارض نیست اما می پذیرند که در باب روایات مسئله متفاوت است. برخی قائل اند روایتی که نص بر نپذیرفتن ایمان فرعون باشد، وجود ندارند؛ هرچند در برخی روایات نکاتی اشاره شده است که می تواند ایمان فرعون را مورد تردید قرار دهد.

عبدالرزاق کاشانی در ذیل تفسیر آیه نهم سوره قصص نقل می کند که فرعون پس از آنکه آسیه گفت این کودک قره العین من و تو باشد، گفت: قره العین تو باشد نه من (ابن عربی، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۱۱۶). یا در حدیثی از ابن عباس نقل شده که وقتی فرعون کلمه توحید را به زبان آورد، جبرئیل از ترس آنکه رحمت حق تعالی فرعون را فراگیرد، بر دهان خود خاک ریخت. این روایت نشان می دهد اگرچه فرعون ایمان آورد ایمان او مقبول واقع نشد (بالی زاده، ۱۴۲۲ق: ۲۹۳). افزون بر این روایات، در جوامع روایی امامیه نیز روایاتی ناظر به عدم قبول ایمان فرعون نقل شده است و برخی بر همین اساس ایمان فرعون را منکرند (بنی اسدی، ۱۳۹۷: ۲۱۸).

در ارزیابی مباحث عرفانی، یکی از میزان های بررسی باورهای عرفا، دلیل شرعی قطعی است. بنابراین روایات منصوص قطعی منقول از ائمه شیعه نقدی جدی بر دیدگاه ابن عربی محسوب می شود اما این نقد تنها برای کسانی که حجیت و عصمت ائمه شیعه را قبول داشته باشند، مناسب است.

۵. ارزیابی نگارنده از تفسیر ابن عربی

همان‌طور که گذشت، تضارب آراء پیرامون ایمان فرعون بسیار است. نخستین مسئله‌ای که در ارزیابی آراء متعدد باید بدان توجه داشت، اصل اهمیت بحث در باب ایمان فرعون است. ابتدایی‌ترین پرسشی که باید بدان پاسخ داد آن است که اساساً چه ارزشی دارد که درباره پذیرش ایمان فرعون یا نپذیرفتن آن تا این حد بحث کرد؟

به نظر نگارنده فارغ از آنکه در پایان بحث، فرعون به عنوان مؤمن یا غیرمؤمن شناخته شود، اهمیت بحث از آن به دلیل اهمیت تدبر در قرآن کریم است. از یک‌سو خداوند به مسلمانان امر کرده تا در قرآن تدبر و تفکر کنند، از سوی دیگر فرعون یکی از شخصیت‌های مطرح در قرآن کریم است، به گونه‌ای که فقط ۷۴ مرتبه نام وی یا افرادی که با نام وی شناخته می‌شوند مانند همسر یا قومش، در قرآن ذکر شده درحالی‌که قرآن کریم فقط یک مرتبه به برخی انبیا اشاره کرده است. بنابراین فرعون، هرکه باشد، شخصیتی است که تدبر درباره وی و حالات و خصوصیاتش و عبرت گرفتن از آن، به مثابه تدبر در آیات قرآنی است.

افزون بر این امر بررسی حقیقت ایمان، شرایط مقبولیتش در حالات مختلف و نتایج آن، مسئله‌ای کلامی است که هم در کلام سنتی و هم در کلام جدید مورد توجه بوده و ضروری است که درباره آن بر مبنای عقل و شرع، تقریری صحیح عرضه نمود. بررسی ایمان فرعون، یکی از مسائل فرعی در مبحث ایمان است، زیرا چنانچه فرعون به عنوان یکی از بارزترین مستکبران جهان، در پایان حیاتش ایمان آورده و بر فرض، سعادت‌مند شده باشد، می‌توان به نوعی کثرت‌گرایی قائل شد، چراکه وقتی ایمان وی مقبول قرار گیرد، ایمان افراد دیگر که دارای نواقص در جهات عملی و اعتقادی هستند نیز قابل قبول خواهد بود.

اکنون که اهمیت بحث درباره ایمان فرعون روشن شد، به ارزیابی ادعای ابن عربی پرداخته می‌شود.

با التفات به آثار ابن عربی روشن می‌شود که عبارات وی در باب فرجام فرعون دو

گونه است؛ او در مواضعی تصریح می‌کند فرعون از جمله انسانی‌هایی بود که سرانجام هلاک گشت (ابن عربی، بی‌تا: ج ۲، ۴۶) و در موضع دیگری، ضمن اشاره به طوایف مختلف مجرمان که اهل آتش‌اند و هرگز از آن خارج نمی‌شوند، فرعون را از مصادیق نخستین گروه گناهکاران (متکبرون) معرفی می‌کند (همان: ج ۱، ۳۰۱). با این حال ابن عربی در بیشتر موارد فرعون را در زمره اهل ایمان و رستگاران به شمار می‌آورد. در ادامه با چشم‌پوشی از این دو عبارت ایمان فرعون بر اساس استدلال‌های ابن عربی، بررسی و ارزیابی می‌شوند.

همان‌طور که گذشت، شیخ در بیشتر مواضع مدعی است فرعون پیش از غرق شدن، ایمان داشت اما تا هنگام غرق شدن آن را اظهار نکرد نه آنکه در آخرین لحظه ایمان آورده باشد. برای فهم و ارزیابی مقصود ابن عربی باید نخست معنای «ایمان» روشن شود. ایمان در لغت به معنای تصدیق است (جوهری، ۱۳۷۶ق: ج ۵، ۲۰۷۱) اما در معنای اصطلاحی آن میان اندیشمندان مذاهب مختلف اختلاف نظر وجود دارد (نک: رازی، بی‌تا: ۵۶۷؛ تفتازانی، ۱۴۱۲ق: ج ۵، ۱۷۵-۱۹۶). تعبیر ابن عربی درباره ماهیت ایمان متعدد است، برخی پژوهشگران بر این باورند که ایمان نزد شیخ عبارت است از «تصدیقی که بر معرفتی عمیق استوار است و التزام قلبی به عمل عنداللزوم را به همراه دارد» (یزدان‌پناه و رزمخواه، ۱۳۹۰: ۵۷). با این حال ایمان سابقی که شیخ درباره فرعون مطرح می‌کند، تنها علم به توحید را شامل می‌شود؛ از این رو می‌گوید فرعون به «لا اله الا الله» علم داشت (ابن عربی، بی‌تا: ج ۴، ۶۰). استدلال او در این خصوص نیز منطقی به نظر می‌رسد زیرا فرعون در گفت‌وگو با موسی (ع) درباره خداوند از او پرسش کرد و موسی (ع) خداوند را به عنوان پروردگار تمام ماسوی الله معرفی کرد.

بر اساس بیان فوق نه تنها هیچ مانعی وجود ندارد که پس از این گفت‌وگو، فرعون با تأمل در نحوه وجود خود، نیازمندی خود را به حق تعالی یافته باشد چراکه تصور صحیح درباره خداوند مستلزم حکم به ضرورت وجود اوست، بلکه آیات قرآن کریم مؤید آن است که فرعون حقیقت را دانست و خداوند را شناخت اما تا آخرین

لحظات حیاتش از پذیرش آن خودداری کرد. به این ترتیب سخن ابن عربی صحیح است که فرعون سرانجام کلمه توحید را به زبان آورد و ایمانی را که داشت (به معنای علم به توحید) آشکار کرد.

اکنون باید این موضوع مشخص شود که چنین علم و تصدیقی، به معنای ایمان مقبول می باشد یا خیر؟ ابن عربی معتقد است ایمان فرعون نافع بوده است. همان طور که گذشت او و برخی شارحانش به تعدادی از اشکالات احتمالی در رد این مسئله پاسخ داده اند. برخی دیگر از اشکالات نیز یا بر اساس مبنای اهل سنت مقبول نیست و یا نفیاً و اثباتاً در مسئله ایمان فرعون قابل استناد نمی باشند. به این ترتیب اگر بتوان اثبات کرد بر مبنای شیخ ایمان مقبول بوده است، ادله تمام کسانی که در نقد بیان محیی الدین به عدم قبول ایمان فرعون تمسک کردند، ابطال شده و سعادت مندی فرعون اثبات می شود.

ممکن است در برابر بیان فوق این اشکال مطرح شود که اگرچه فرعون با ایمان از دنیا رفت، چون عمل صالح نداشت، ایمان او نافع نخواهد بود. در پاسخ باید گفت اگر فرعون پیش از جریان غرق شدن، حقیقتاً خداوند یگانه را به عنوان پروردگار عالم شناخته باشد، عدم عمل صالح نمی تواند مانع سعادت نهایی فرعون باشد، زیرا همان طور که گذشت اعتقاد توحیدی سرانجام صاحب خود را نجات می دهد. بنابراین فقدان عمل صالح، مانع از منفعت ایمان نخواهد بود. البته باید توجه داشت که اقرار فرعون به توحید موجب رفع حق الناس از وی نمی شود و فرعون برای آن ها عقاب خواهد شد اما در نهایت از جهنم خارج خواهد شد.

نگارنده بر این باور است که برخلاف آنچه محیی الدین و برخی شارحان فصوص گفته اند، بر مبنای مقبول نزد ابن عربی، اعتقاد فرعون به توحید موجب سعادت وی نمی شود و او مخلد در جهنم خواهد بود؛ زیرا فرعون در برابر حق تعالی استکبار ورزید.

تفصیل سخن آنکه قرآن کریم در آیات متعدد تصریح می کند فرعون در برابر خداوند و پیامبر الهی استکبار ورزید؛ برای نمونه می توان به آیات «ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَى وَ هَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ» (یونس: ۷۵)، «ثُمَّ

أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ * إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَٰئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ» (مؤمنون: ۴۵-۴۶) و «وَقَارُونُ وَفِرْعَوْنُ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ» (عنكبوت: ۳۹) اشاره کرد. شیخ نیز فرعون را از جمله مخلوقات می‌داند که صفات کبریایی پروردگار از جمله تجبر و تکبر را به ناحق اظهار نمود (ابن عربی، بی‌تا: ج ۲، ۲۴۴). از سوی دیگر استکبار در تنافی با ایمان (به معنای تصدیق به خداوند) نیست چنان‌که ابلیس به رغم آنکه موحد بود و عبادات فراوان داشت، استکبار ورزید^۷ و بدین سبب مورد لعن الهی قرار گرفت و مخلد در جهنم شد. به این ترتیب فرعون ضمن ایمان به خداوند، مخلد در جهنم است، زیرا از مستکبرین بود و ایمان چیزی نیست که ملکه استکبار در نفس را زوال بخشد. به این ترتیب بر اساس مبانی مقبول نزد محیی‌الدین، بر فرض صحت ایمان فرعون، او مخلد در عذاب خواهد بود؛ زیرا فرعون در برابر خداوند استکبار ورزید.

بر اساس این نکته تمام استدلال‌های شیخ مخدوش می‌شود؛ وجه بطلان دلیل اول ابن عربی آن است که فرعون پیش از لحظه غرق شدن توحید را می‌شناخت اما حب ریاست مانع اظهار ایمان بود؛ از این رو اظهار آن در واپسین لحظات به معنای اسلام آوردن نیست، بلکه مبدأ اسلام آوردن را (به معنای عام شناخت توحید) باید هنگامی دانست که او یگانگی حق تعالی را شناخت و فرعون پس از آن زمان نیز مرتکب گناهان و خطاهایی شد که از جمله آن‌ها قتل آسیه بود (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۳، ۱۶۴) و بنا بر نص آیه قرآن «هر کس مؤمنی را به عمد بکشد، مجازات او خلود در جهنم است» (نساء: ۹۳). به این ترتیب این ادعای شیخ که فرعون طاهر و مطهر از دنیا رفت پذیرفته نیست. همچنین بر فرض که اظهار توحید از مصادیق اسلام آوردن باشد و اسلام فرعون هم مقبول باشد، اسلام گناهان را پاک می‌کند اما ملکات نفسانی را که در نفس آدمی ریشه کرده پاک نمی‌کند و در مورد فرعون، ملکه استکبار او در برابر حق می‌شناخت، کافی است تا او مخلد در عذاب باشد.

دلیل دوم شیخ نیز باطل است، زیرا امید بلکه طمع به رحمت لزوماً به معنای ایمان

مقبول نیست، بسیاری از انسان‌ها در شرایط سخت خالصانه خداوند را می‌خوانند اما هنگامی که از سختی رها شوند، خداوند را فراموش می‌کنند؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ» (عنکبوت: ۱۳۶۵). چنین ایمانی ارزشی ندارد زیرا زودگذر و لحظه‌ای است. ممکن است گفته شود ما نمی‌دانیم که فرعون مصداق چنین ایمانی بوده یا نه، چراکه از نیت او بی‌خبریم. پاسخ آن است که به دلیل عدم اطلاع از نیت فرعون، هر دو طرف مقبولیت ایمان فرعون و عدم آن باطل و بدین بیان استدلال محیی‌الدین ساقط می‌شود. علت بطلان استدلال سوم ابن‌عربی آن است که اگر مقصود از رحمت فراگیر خداوند، رحمت رحمانی است که شامل همه‌ی اشیاء می‌شود و اختصاص به مضطر ندارد، باید گفت این رحمت مستلزم قبول ایمان فرعون نیست. اگر هم مقصود از رحمت خاصه است باید گفت این رحمت وابسته به قابلیت قابل است؛ چنانچه قابلیت باشد، فرعون مشمول این رحمت می‌شود و این مطلب اول کلام است. گذشته از اینکه دعای هر مضطری اجابت نمی‌شود، زیرا برخی امور خلاف حکمت است؛ به این ترتیب این ملازمه که دعای هر مضطری مقبول است، صحیح نیست.

دلیل چهارم بر اثبات ایمان فرعون که توسط ابن‌ترکه بیان شده، نیز باطل است، زیرا برخلاف آنچه ایشان می‌گویند میان آیه بودن و مقبول‌الایمان بودن تلازمی نیست. به‌طور کلی آیه بودن می‌تواند چند معنا داشته باشد. معنای نخست، «مطلق نشانه بودن» است؛ معنایی کلی و عام، که شامل آسمان و زمین، ابلیس و ملک، جن و انس می‌شود. این معنا را می‌توان معادل عرفانی «مظهر» دانست که شامل همه‌ی اشیاء از احسن تا اشرف می‌شود.

معنای دومی که آیه بودن نجات جسم فرعون می‌تواند داشته باشد، معنایی است که در خصوص معجزات مطرح می‌شود. در قرآن کریم گاهی واژه «آیه» به معنای معجزه به کار رفته است؛ برای نمونه می‌توان به کریمه «جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ» (اعراف: ۷۳) اشاره کرد. بر این اساس معنای نجات جسم فرعون آن است که

خداوند بدن او را به معجزه‌ای نجات داد.

معنای دیگری که آیه بودن نجات جسم فرعون می‌تواند داشته باشد، این است که خداوند جسم بی‌جان فرعون را نجات داد تا مایهٔ پند و عبرت برای دیگران باشد؛ چنان‌که قرآن کریم در خصوص اقوام برخی انبیا می‌فرماید سرگذشت آن‌ها را مایهٔ پند و عبرت قرار دادیم، به‌ویژه در خصوص قوم حضرت لوط که آثار آن‌ها را باقی نگاه داشت^۸ اما بقای ابدان آن‌ها به معنای مومن بودن آنان نیست.

به نظر می‌رسد از میان معنای مزبور، معنای اخیر بر دو معنای نخست اولویت دارد. توضیح بیشتر آنکه در باب صدق معنا اول بر فرعون شکی نیست اما سیاق آیه نشان می‌دهد مقصود این معنای عمومی نیست. بنابراین این فرض اگرچه صحیح است، اختصاص به فرعون ندارند درحالی‌که آیه به‌طور خاص دربارهٔ فرعون سخن می‌گوید. فرض دوم نیز نمی‌تواند تام باشد زیرا معجزه یا به‌طور کلی کرامت، مربوط به انبیا و اولیاست و حتی بر فرض که فرعون مؤمن از دنیا رفته باشد، از اولیا و انبیا نبوده تا کرامت از او صادر شود. به باور نگارنده در این بحث، معنای سوم آیه بودن، سوم صادق است. خداوند با نجات جسم فرعون، فرجام کار کسی را که ادعای ربوبیت داشت و ندای «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى» می‌داد، نمایان کرد و چه بسا اگر جسم او به ساحل باز نمی‌گذشت، برخی گمان می‌کردند او به آسمان صعود کرده است. به این ترتیب نمایان شدن جسم فرعون عبرت و پندی است برای کسانی که حق را انکار کنند.

استدلال پنجم شیخ نیز نمی‌تواند مؤید ایمان فرعون باشد، زیرا اگرچه مقدمات استدلال شیخ صحیح است، نتیجه منحصر در پذیرش ایمان فرعون نیست. بنا بر مقدماتی که محیی‌الدین مطرح می‌کند، معنای آیهٔ چهل و چهارم سورهٔ طه این است که «با فرعون به آرامی و نرمی سخن گوئید، قطعاً او متذکر می‌شود یا می‌ترسد». به‌گواهی آیهٔ ۱۰۲ سورهٔ اسراء فرعون متذکر شد و خدا را شناخت و سرانجام ترس نیز او را فراگرفت اما این فرجام به معنای سعادت‌مندی او نیست؛ چنان‌که عاقبت ابلیس نیز به‌رغم آنکه «إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ» (حشر: ۱۶) می‌گوید، خلود در جهنم است (حشر: ۱۷)، زیرا

ملکه استکبار که قابل اجتماع با توحید است، وجود او را فرا گرفته و مانع سعادت‌مندی او می‌شود؛ به این ترتیب استدلال پنجم نیز قادر نیست تا ایمان فرعون را اثبات کند.

۶. نتیجه‌گیری

مسئله ایمان و سعادت و شقاوت همواره از مسائل مورد توجه الهی‌دان‌ها بوده است. از جمله مباحث فرعی که ذیل ایمان و شرایط آن می‌تواند مطرح شود، مسئله ایمان فرعون است. محیی‌الدین به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین عرفا، در دو اثر مهم خود یعنی *الفتوحات المکیه* و *فصوص الحکم* به این مسئله پرداخته و رأیی برخلاف اجماع متکلمان و الهی‌دانان ادیان ابراهیمی ارائه کرده است. شیخ معتقد است فرعون سرانجام با ایمان و طاهر و مطهر از دنیا رفت. او و برخی شارحانش به‌منظور اثبات این باور پنج استدلال ارائه کرده و می‌کوشند زوایای مختلف این بحث را بررسی کنند. بیانات شیخ و دفاعیه‌های برخی از شارحان از این باور منجر به واکنش‌های مختلفی شده است. برخی از شارحان ابن عربی استناد پذیرش ایمان فرعون به شیخ را کذب محض می‌دانند و بعضی دیگر سخت بر باور به ایمان فرعون می‌تازند. در این پژوهش نشان داده شد که بیشتر انتقادات وارد بر ادله ابن عربی ممنوع است. همچنین استناد به احادیثی که از طریق امامیه در پذیرفتن ایمان فرعون وارد شده، برای اهل سنت پذیرفته نیست. در عین حال باور به سعادت‌مندی فرعون، آن‌گونه که شیخ ترسیم می‌کند، نادرست است زیرا حتی بر فرض صحت ایمان فرعون، بر اساس مبانی مقبول نزد تمام مسلمانان از جمله ابن عربی، ایمان او نمی‌تواند مانع شقاوت و عذاب ابدی باشد چراکه فرعون به‌ناحق ادعای صفت کبریایی حق تعالی کرد و با وجود شناخت حقیقت، در مقابل حق استکبار ورزید.

پی‌نوشت‌ها

۱. «وَقَالَتْ اِثْرَاتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتْ عَيْنٌ لِّیْ وَلَکَ لَا تَقْتُلُوْهُ عَسٰی اَنْ یَنْفَعَنَا اَوْ نَتَّخِذَہٗ وَلَدًا وَهُمْ لَا یَشْعُرُوْنَ» (قصص: ۹).

۲. «وَ جَاوَزْنَا بِبَنی إِسْرَآئِیْلَ الْبَحْرَ فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَ جُنُوْذَہٗ بَغْیًا وَ عَدُوًّا حَتّٰی اِذَا اُذْرِکَہُ الْغَرَقُ قَالَ اَمَنْتُ اِنَّہٗ لَا اِلَہَ اِلَّا الَّذِیْ اَمَنْتُ بِہٖ بُنُوْا اِسْرَآئِیْلَ وَ اَنَا مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ» (یونس: ۹۰).

۳. «لَا تَبَاسُوْا مِنْ رُّوْحِ اللّٰہِ اِنَّہٗ لَا یَبْأَسُ مِنْ رُّوْحِ اللّٰہِ اِلَّا الْقَوْمُ الْکَافِرُوْنَ» (یوسف: ۸۷).

۴. «وَرَحِمَتِیْ وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ» (اعراف: ۱۵۶).

۵. «لَهُ قَوْلًا لِّنَا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه: ۴۴).
۶. «قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا» (اسراء: ۱۰۲).
۷. «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۳۴).
۸. «وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (عنكبوت: ۳۵).

منابع

۱. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد (بی تا)، مراتب الاجماع، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲. ابن عربی، محیی الدین (۱۹۴۶م)، فصوص الحکم، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
۳. _____ (۱۴۲۲ق)، تفسیر ابن عربی، تصحیح و تعلیق سمیر مصطفی رباب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. _____ (بی تا)، الفتوحات المکیة (اربع مجلدات)، بیروت: دار الصادر.
۵. بالی زاده حنفی، مصطفی بن سلیمان (۱۴۲۲ق)، شرح فصوص الحکم، تحقیق و تصحیح الشیخ فادی أسعد نصیف، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶. بروجرودی، سیدحسین (۱۴۱۷ق)، تقریرات فی اصول الفقه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۷. بنی اسدی، رضا (۱۳۹۷)، «توبه و ایمان فرعون از دیدگاه امام خمینی و ابن عربی»، نشریه انسان پژوهی دینی، شماره ۳۹، ۲۰۷-۲۲۰.
۸. تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۴۱۲ق)، شرح المقاصد، تحقیق عبدالرحمن عمیره، مقدمه شرف صالح موسی، قم: الشریف الرضی.
۹. جامی، عبدالرحمن (۱۴۲۵ق)، شرح فصوص الحکم (الجامی)، تحقیق و تصحیح عاصم ابراهیم الکیالی الحسینی الشاذلی الدرقاوی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۰. جندی، مؤیدالدین (۱۴۲۳ق)، شرح فصوص الحکم، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، چ ۲، قم: بوستان کتاب.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، تصحیح احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۲. حائری یزدی، عبدالکریم (۱۳۳۷ق)، درر الفوائد، قم: مهر.
۱۳. حسن زاده، حسن (۱۳۷۸)، ممد الهمم فی شرح فصوص الحکم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۱۴. حلبی، نورالدین (۱۴۲۷ق)، السیرة الحلبیه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۵. خمینی، سید روح الله (۱۴۲۰ق)، معتمد الاصول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱۶. خوارزمی، تاج‌الدین حسین (۱۳۷۹)، *شرح فصوص الحکم*، تصحیح حسن حسن‌زاده آملی، چ ۲، قم: بوستان کتاب.
۱۷. رازی، فخرالدین (بی‌تا)، *المحصل*، تحقیق حسین اتای، عمان - اردن: دار الرازی.
۱۸. رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. سبکی، تقی‌الدین علی بن عبدالکافی (۱۴۱۹ق)، *شفاء السقام فی زیارة خیر الانام*، تهران: مشعر.
۲۰. سید مرتضی، مرتضی بن احمد (۱۴۰۵ق)، *رسائل الشریف المرتضی*، قم: دار القرآن الکریم.
۲۱. شعرانی، عبدالوهاب (۱۴۱۸ق)، *الیواقیت و الجواهر فی بیان عقائد الأكابر*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، مؤسسة التاریخ العربی.
۲۲. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۲۲ق)، *روض الجنان فی شرح ارشاد الازهقان*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۳. شیخ، محمود (۱۳۹۹)، «رستگاری فرعون در قرآن کریم»، *نشریه پژوهشنامه ادیان*، شماره ۲۷، ۸۳-۱۱۳.
۲۴. صائن‌الدین، علی بن ترکه (۱۳۷۸)، *شرح فصوص الحکم*، تصحیح و تحقیق محسن بیدارفر، قم: انتشارات بیدار.
۲۵. صفرزاده، حبیب و نیک‌پناه، منصور (۱۳۹۹) «نگرش عارفانه ابن عربی به ایمان فرعون با نگاهی به شعر شاعران عارف فارسی»، *نشریه عرفان اسلامی*، شماره ۶۵، ۱۷۵-۱۹۴.
۲۶. طوسی، ابوجعفر محمد (۱۴۰۰ق)، *الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد*، تهران: مکتبه جامع چهلستون.
۲۷. فتنی، محمد طاهر بن علی (۱۳۴۳ق)، *تذکره الموضوعات*، قاهره: اداره الطباعة المنیریة.
۲۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *اوائیل المقالات*، بیروت: دار المفید.
۲۹. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۷۸ق)، *الجامع لاحکام القرآن*، قاهره: دار الکتب المصریة.
۳۰. قیسری داوود (۱۳۷۵)، *شرح فصوص الحکم*، تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۱. کاشانی، عبدالرزاق (۱۳۷۰)، *شرح فصوص الحکم*، چ ۴، قم: بیدار.
۳۲. متقی‌هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۱ق)، *کنز العمال فی السنن و الاقوال*، بیروت: مؤسسة الرساله.
۳۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۳۴. مهائمی، علاء‌الدین علی بن احمد (۱۴۲۸ق)، *خصوص النعم فی شرح فصوص الحکم*، تصحیح و تحقیق احمد فرید المزیدی، تهران: دار الکتب العلمیه.
۳۵. نابلسی، عبدالغنی (۱۴۲۹ق)، *جواهر النصوص فی شرح الفصوص*، تصحیح عاصم ابراهیم الکیالی الحسینی الشاذلی الدرقاوی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۶. یزدان‌پناه، سید یثالله و رزمخواه، احمد (۱۳۹۰)، «ماهیت ایمان از دیدگاه ابن عربی و کی یرکگور» *نشریه آینه معرفت*، شماره ۲۷، ۷۶-۵۳.